

مقاله پژوهشی

واکاوی ساختارمند مضامین نقوش جعبه- ترازوی نقاشی شده لاک، با مضمون بارگاه حضرت سلیمان (ع)، متعلق به دوره ابتدایی قاجار، محفوظ در موزه بریتانیا

الهه پنجه باشی^۱

۱. دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Email: e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳،۲،۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳،۷،۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳،۷،۱۲

چکیده

مقدمه: جعبه‌های لاک، در دوره قاجار، با کاربرد ابزار، به جعبه- قیان معروف بوده و وسیله‌هایی کاربردی بوده که با موضوعات متنوع نقاشی شده و منقوش و تزئین شده‌اند. جعبه‌های سفارشی کاربردی از کیفیت و اهمیت بالاتری برخوردار بوده و به سفارش دربار تهیه می‌شده‌اند. یکی از این جعبه‌های نفیس نقاشی شده در موزه بریتانیا قرار دارد. موضوع اصلی در نقاشی روی طول مستطیل بارگاه حضرت سلیمان (ع) و موضوع فرعی در عرض جعبه شکارشاهی است. این جعبه از نمونه‌های نادر کامل و سالم است که متعلق به دوره ابتدایی قاجار بوده و شناخت آن می‌تواند به‌عنوان یک نمونه کامل و نادر راهگشای شناخت این هنر در دوره قاجار باشد. پرسش پژوهش حاضر این است که در این جعبه چه مضامینی در بخش‌های مختلف درون و بیرون آن نقاشی شده و ارتباط مضامین تصاویر با یکدیگر چگونه است؟ هدف پژوهش حاضر مطالعه ساختاری جعبه- ترازوی نقاشی شده با مضمون بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع) است که شامل ساختار و مضامینی است که داخل و خارج آن کار شده و ما را با این نوع جعبه‌ها و جنبه کاربردی آن آشنا می‌سازد.

روش پژوهش: این پژوهش کیفی است و از حیث روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) است. جامعه آماری پژوهش حاضر؛ جعبه‌ای آینه‌ای به شماره ۱۹۲۷۰۵۲۵۱ در موزه بریتانیا متعلق به دوره قاجار است؛ جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری و بارگیری نسخه‌های اینترنتی تصاویر انجام شده است. روش نمونه‌گیری هدفمند با بررسی جعبه ترازوی نقاشی شده لاک با مضمون بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع) انتخاب شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این جعبه نقاشی شده موجبات هم‌آمیزی دستاوردهای هنر و زندگی را نشان داده و موضوعات مذهبی را به‌عنوان موضوع اصلی به‌کار رفته بر روی جعبه معرفی می‌کند. نقاشی‌های این جعبه از نظر سبک با دیگر وجه‌های جعبه دارای اشتراک است، ولی از نظر مضمون دارای افتراق بوده و با توجه به جنبه عملکردی جعبه انتخاب و اجرا شده است. ارتباط معنایی مضامین داخل و خارج جعبه با یکدیگر متفاوت است، ولی از سبک هنری یکسانی برخوردار است. در این جعبه سه مضمون دیده می‌شود: بر روی در جعبه، مضمون مذهبی بارگاه حضرت سلیمان نبی، در کناره‌های جعبه، مضمون فرهنگی شکار در دوره قاجار، در داخل جعبه، مضمون عرفانی گل و مرغ و آرایه‌های تزئینی هنر ایرانی.

نتیجه‌گیری: مضامین به‌کار رفته در بخش‌های مختلف جعبه تحت تاثیر هنر نقاشی پیکرنگاری درباری قاجار بوده است. طراحی قاعده‌مند و بهره بردن از تصویر برای درج جعبه، استفاده از نقش شکار برای حاشیه‌های عرضی و طولی جعبه و بهره بردن از نقوش سنتی ایرانی برای فضای داخلی تقسیم بندی‌های جعبه به صورت کیفی از جمله این موارد انتخاب شدن هدفمند مضامین است و انعکاسی واضح از هنر دوره قاجار را نشان می‌دهند.

کلیدواژه

قاجار، جعبه ترازو، لاک، نقاشی، بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع)

ارجاع به این مقاله: پنجه باشی، الهه. (۱۴۰۳). واکاوی ساختارمند مضامین نقوش جعبه- ترازوی نقاشی شده لاک، با مضمون بارگاه حضرت

سلیمان (ع)، متعلق به دوره ابتدایی قاجار، محفوظ در موزه بریتانیا. پیکره، ۱۳(۳۸)، ۵۱-۷۱. DOI: <https://doi.org/10.22055/PYK.2024.19527.71-51>



©2024 by the Authours. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

مقدمه و بیان مسئله

جعبه‌های لاک‌ی، در دوره قاجار، با مضمون شاه قاجار و صحنه‌های شکار و نبرد و مانند آن از صحنه‌های متداول بوده است. نقاشی‌های لاک‌ی روی این جعبه‌ها هدفمند و با جزییات نقاشی شده و جزو دسته‌بندی‌های متنوع آثار لاک‌ی در این دوره به‌شمار می‌رود. جعبه ترازویی آینه‌ای به شماره ۱۹۲۷۰۵۲۵۱ در موزه بریتانیا متعلق به دوره قاجار؛ مورد بحث در این پژوهش از نوع جعبه‌های ترازوی لاک‌ی بوده که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در این پژوهش، از نوع جعبه‌های نقاشی‌شده لاک‌ی بوده که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود این جعبه بسیار نادر و سالم، با کاربری عملکردی ترازو و جعبه‌بازار است و تمام قسمت‌های آن حاوی نقاشی و تزئین است. مضمون روی در اصلی جعبه بارگاه حضرت سلیمان (ع) بوده و با جزییات و بسیار پرکار تصویر شده است. داخل جعبه آینه‌ای بوده و خوشبختانه کاملاً سالم مانده است. دور آینه نقاشی گل و مرغ بوده و داخل جعبه، ابزار مختلف و دو ترازوی کوچک وجود دارد که کاملاً دارای تقسیم‌بندی فضا و بسیار منظم است. دو جعبه لاک‌ی دیگر نقاشی شده نیز درون آن دیده می‌شود و اوزان و دو ترازوی کوچک در آن موجود است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه ساختاری جعبه-ترازوی نقاشی شده با مضمون بارگاه سلیمان نبی (ع) است که شامل ساختار و مضامینی است که داخل و خارج آن کار شده و ما را با ساختار این جعبه‌ها و جنبه عملکردی آن‌ها آشنا می‌کند. پرسش پژوهش حاضر این است که در این جعبه چه مضامینی در بخش‌های مختلف درون و بیرون نقاشی شده و ارتباط مضامین تصاویر خارج و داخل آن چیست؟ در بررسی ضرورت و اهمیت جعبه‌های اوزان لاک‌ی بایستی گفت که از اهمیت فرهنگی و هنری برخوردار بوده و از حیث بررسی شیوه تولید، طراحی، سبک نقاشی، نقوش و علائم، جای بررسی و مطالعه داشته و حائز اهمیت‌اند. این جعبه‌ها بیانگر ویژگی‌های فرهنگی-هنری دوره فتحعلی‌شاه قاجار بوده و از این نظر اهمیت دارند. این جعبه موجود در موزه بریتانیا با توجه به مضامین متنوع اهمیت بالایی دارد و تاکنون مورد بحث و مطالعه قرار نگرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و در حیطه پژوهش‌های کیفی است و براساس مطالعه جعبه‌بازارهای نقاشی‌شده لاک‌ی دارای سه ترازو است که تمام بخش‌های آن منقوش است. جامعه آماری پژوهش حاضر جعبه‌های آینه‌ای به شماره ۱۹۲۷۰۵۲۵۱، در موزه بریتانیا متعلق به دوره قاجار است. جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری و بارگیری نسخه‌های اینترنتی تصاویر انجام شده است. روش نمونه‌گیری هدفمند، با بررسی جعبه ترازوی نقاشی شده لاک‌ی، با مضمون بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع)، انتخاب شده است. دلیل انتخاب این جعبه داشتن سه مضمون متفاوت در یک جعبه واحد است. در پژوهش حاضر، ابتدا به معرفی جعبه مورد بحث پرداخته شده و سپس مضامین آن مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

تاکنون تعدادی از پژوهشگران به آثار لاک‌ی در دوره قاجار پرداخته‌اند. اکثر پژوهش‌ها به توصیف ظاهری تصاویر آثار متمرکز بوده و این موضوع از لحاظ هنری و براساس خوانش و ارتباط مضامین مورد توجه نبوده است. بر این اساس، ضرورت پژوهش حاضر و جنبه نوآوری آن مشخص می‌شود. در این راستا «خلیلی» (۱۳۸۶) در کتابی با

عنوان «کارهای لاک» که آثار موجود در مجموعه شخصی خلیلی است، به بحث و بررسی آثار لاکي دوره قاجار پرداخته و تنوع آثار لاکي را مورد بحث قرار داده است. «پوپ» (۱۳۸۷) در کتابي با عنوان «سیري در هنر ايران» به جعبه‌های چوبي اشاره داشته و آن‌ها را در زمره جعبه‌های جراحی معرفي کرده است. «برومند» (۱۳۶۶) در کتابي با عنوان «هنر قلمدان» به آثار لاکي و قلمدان‌های تصويري اشاره داشته، ولي جعبه‌های لاکي و مضمون‌شناسي آن در اين کتاب مورد بحث واقع نشده است. «پنجه‌باشي» (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه جعبه- قپان‌های نقاشي شده لاکي در دوره اول قاجار» به معرفي پنج جعبه لاکي نقاشي شده که از آن‌ها تحت عنوان جعبه- قپان نام برده، پرداخته است و جعبه مورد بحث در اين پژوهش را نیز معرفي کرده، ولي تنها به ظاهر و معرفي آن بسنده کرده و مضمون‌شناسي آن را طرح نکرده و به آن توجهي نداشته است. «محمودي» (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تصويرگري آثار نقاشي زيرلاکي (پاپيه ماشه) در دوره قاجار با رويکرد آيکونوگرافي» به آثار لاکي دوره قاجار پرداخته و آن‌ها را از منظر معناشناسي مورد بحث و بررسی قرار داده و به مضامين توجهي نداشته است. «لعل شاطري و جعفري دهکردي» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثير فعاليت ميسيونرهای مسيحي بر مصورسازي قلمدان‌های عصرناصري» به آثار لاکي اين دوره توجه داشته و تأثير مسيحيت و مضامين آن را در قلمدان‌ها بررسی کرده‌اند. «شميسا، خواجه احمد عطاري و ميرجعفري» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرم و عملکرد ابزارآلات فولادي اصناف قاجار» به بررسی جعبه‌های ابزار و اصناف آن پرداخته‌اند، ولي در اين مورد هم بر داخل جعبه‌ها و ابزار آن تمرکز کرده‌اند. «بختياري» (۱۳۹۰) در پايان‌نامه ارشد خود با عنوان «گل و مرغ در هنرهای کاربردي ايران (عصر صفوي متأخر تا دوره قاجار آغازين)» به موضوع گل و مرغ در هنرهای کاربردي پرداخته، ولي کوچکترين اشاره‌ای به اين جعبه‌ابزارها نداشته است.

شاخصه‌های نقاشي لاکي در آثار دوره ابتدایي قاجار

«لک يا لکا» که در فارسي آن را «لاک» می‌نامند، در فرهنگ‌های مختلف فارسي به‌همين نام مشهور است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۹۵۴۶). «... اصطلاح روغنی دراصل به روغناس بازمی‌گردد و اشاره به گیاه روناس داشته است. از ریشه اين گیاه، ماده قرمزرنغي به‌نام آرزارين به‌دست می‌آيد که در رنگرزي ايراني به‌کار می‌رفته و لاکي کاران قرمزي خوش‌رنگ و شفاف از آن به‌دست می‌آورده‌اند» (محمودي، ۱۳۹۸). هنر لاکي ارتباط پيوسته‌ای با نقاشي داشته و در دوره قاجار به شکوفايي رسيده و با نقاشي برروي قاب آينه، قلمدان، جلد و ... انجام می‌شده است (بختياري، ۱۳۹۰، ۵۵). با توجه به قلمدان موجود در مجموعه خلیلی که دارای شباهت با جلدهای دوره تیموري است، قدمت اين هنر به دوره تیموري بازمی‌گردد (برومند، ۱۳۶۶، ۳۲). در دوره قاجار، ساخت صنايع لاکي در شيراز آغاز شده و سپس در تهران به‌عنوان يکي از قطب‌های هنري ادامه پيدا کرده و هنرمندان جذب دربار شده‌اند (خليلي، ۱۳۸۶، ۲۲۱). هنرمند ايراني فارغ از (غرب‌زدگي) به اقتباس از ويژگي‌های ممتاز بصري مکاتب نقاشي اروپايي پرداخت و با ترکيب سنجيده آن با هنر نقاشي ايراني به‌خلق آثاري بديع پرداخت و به‌نحوی که اين شيوه تا حد بسيار زيادي مبدل به سنتي رایج در دوره‌های بعد گردید و مورد تأييد هنرمندان و حاميان هنري قرار گرفت (لعل شاطري و جعفري دهکردي، ۱۳۹۵). برخی نگارگران اين دوره به هنرهای لاکي و قلمدان‌سازي روی‌آوردند (کن‌بای، ۱۳۹۱، ۱۱۵). با بررسی هنر لاکي در ايران و پيشينه تاريخي آن مشخص می‌شود که اين هنر دارای قدمت طولاني بوده و شکوفايي آن در ادامه دوره صفوي در دوره قاجار اتفاق افتاده است.

معرفی جعبه ترازوی نقاشی شده با مضمون بارگاه حضرت سلیمان ع محفوظ در موزه

بریتانیا

جعبه- آیینۀ حضرت سلیمان جعبه‌ای لاک‌پوش با نقاشی روی چوب است که در اندازه ۳۷×۵×۶۴ سانتیمتر بوده و هم‌اکنون در موزه بریتانیا به شماره ۱۹۲۷۰۵۲۵۱ نگهداری می‌شود. رقم هیچ هنرمندی بر روی این جعبه دیده نمی‌شود. جعبه بر روی در اصلی دارای نقش بارگاه حضرت سلیمان (ع) است که در مرکز تصویر روی تختی نشسته است. طبق توضیح موزه، در مورد این اثر، «این جعبه جزو آثار لاک‌پوش ایرانی بوده که در قرن ۱۸م، تا ۱۹م، در ایران کاربرد داشته و این تکنیک در دوره قاجار به اوج هنری خود رسیده است. جعبه لاک‌پوش رنگ‌آمیزی شده مورد بحث که حدود زمانی آن ۱۸۴۰م است، روی در اصلی، حضرت سلیمان (ع) را نشان می‌دهد که بر تخت نشسته و در اطراف او درباریان، جنیان و حیوانات و دیوها دیده می‌شود و در کنارهای جعبه صحنه شکار شاهزادگان قاجار را نشان می‌دهد. داخل جعبه یک سینی چوبی قابل جابه‌جایی ابزارها و وزنه‌های فولادی حکاکی شده را در خود جای داده است. داخل جعبه پتینه‌کاری شده و با طلای گرم پایین تزئین شده است. ابزار داخل جعبه یک ترازوی آهنی متحرک در سینی چوبی است که با پایه‌ای برای تنظیم تعبیه شده است. دو کفه آن با رشته‌هایی از نخ ابریشم بنفش و نخ فلزی آویزان می‌شده‌اند. دو ترازوی مشابه کوچکتر دیگر، هر کدام، با مجموعه‌ای از ابزارها، در جعبه‌های مستطیلی لاک‌پوش کوچکتر، قرار داشته که با گل و مرغ و نقوش و آرایه‌های ایرانی تزئین شده‌اند» (تصاویر ۱ تا ۴).



تصویر ۲. نمای جعبه- آیینه‌ای با موضوع بارگاه حضرت سلیمان (ع) از روبه‌رو با در بسته. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۱. جعبه- آیینه‌ای با موضوع بارگاه حضرت سلیمان (ع) از نمای داخلی. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۴. نمای جعبه- آیینه‌ای با موضوع بارگاه حضرت سلیمان (ع) از روبه‌رو با ترازوی باز اصلی. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۳. نمای جعبه- آیینه‌ای با موضوع بارگاه حضرت سلیمان (ع) از نمای جانبی. منبع: موزه بریتانیا.

جدول ۱. معرفی جعبه ترازو نقاشی شده دوره ابتدایی قاجار در موزه بریتانیا. منبع: نگارنده.

| | |
|-------------------|--|
| موضوع | جعبه ترازو با مضمون بارگاه حضرت سلیمان |
| تکنیک | نقاشی لاک |
| جنس | چوب، طلا، استیل |
| ویژگی غالب معنایی | هم‌آمیزی هنر و زندگی ترازو جعبه- ابزار |
| هنرمند | نامشخص |
| ابعاد | ۱۶ × ۶۴.۵ × ۳۷ cm |
| محل نگهداری | موزه بریتانیا شماره موزه‌ای: 1927.0525.1 |
| زمان | حدود زمانی ۱۸۴۰ م |



مطالعه مضمون روی جعبه

۱. دینی، بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع): «شمایل‌نگاری» یا «تمثال‌سازی» از چهره‌های مذهبی با مضامین شیعی احتمالاً از اواخر دوره آل بویه در ایران متداول گشته و بیشتر دارای موضوعات عاشورایی و شمایل‌های حضرت علی (ع) است» (شایسته‌فر، ۱۳۸۶). حضرت سلیمان (ع) دارای حکومتی است که پس از او کسی لایق آن نبوده است. به اذن خداوند او برانسان‌ها، پرندگان، شیاطین و دیوها تسلط داشته است. در قرآن کریم در آیه‌های ۱۲-۱۳ سوره «سبا» گوشه‌ای از عظمت و امکانات وسیع بارگاه حضرت سلیمان (ع) را بازگو شده و می‌فرماید: «... و برای سلیمان باد را مسخر کردیم که صبح‌گاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم و گروهی از جنیان، پیش او به اذن پروردگارش کار می‌کردند و هرکدام از آن‌ها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیدیم و هرچه سلیمان (ع) می‌خواست برای او درست می‌کردند؛ معبدها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا همانند حوض‌ها و دیگ‌های ثابت که از بزرگی قابل حمل نبود و به آنان گفتیم: «ای آل داوود، شکر این همه نعمت را به‌جای آورید، ولی عده کمی از بندگان شکرگزارند...» (سوره سبا، آیه ۱۲-۱۳). «نام مبارک حضرت سلیمان (ع) در هفت سوره و هفده بار در قرآن آمده و چهل‌وهفت آیه از آن حضرت یاد شده است» (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). «حضرت سلیمان (ع) فرزند حضرت داوود (ع) است و در منابع، مادرش، بنت شمع، بطشاع، همان همسر اوریاست که چون در جنگ کشته شد، داوود او را به‌همسری برگزید و حضرت سلیمان متولد شد» (جمالی و مراثی، ۱۳۹۱، ۱۱۹). قرآن از حضرت سلیمان (ع) به‌عنوان فرزند و وارث حضرت داوود (ع) یاد می‌کند: «... و سلیمان را به داوود بخشیدیم» (نمل، ۳۰). «... و سلیمان از داود میراث برد» (نمل، ۱۶). «حضرت سلیمان (ع) وارث حضرت داوود (ع) است و خدا به داوود (ع) مواهب ارزشمندی عطا فرموده است» (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). «شهرت حضرت سلیمان (ع) نزد پیروان ادیان ابراهیمی، به‌دلیل وجود نام وی، در کتاب مقدس و قرآن کریم است. قرآن و کتاب مقدس در موارد فراوانی از حضرت سلیمان (ع) یاد کرده و تاریخ زندگی آن حضرت را بیان کرده و به مدح و تمجید او پرداخته‌اند. زندگی پاک و منزه حضرت سلیمان (ع) در بخش‌هایی از کتاب مقدس مخدوش شده است» (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). «چهره‌ای که عهد عتیق از حضرت سلیمان (ع) ترسیم می‌کند، یک سلطنت با شکوه و جلال سلطانی در ابعاد گوناگون است. زندگی حضرت سلیمان (ع) مانند رقابت برای سلطنت و رها کردن اصول در عهد عتیق دیده می‌شود، در حالی که قرآن حضرت سلیمان (ع) را در شمار انبیای الهی به‌حساب می‌آورد» (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). در تورات، «حکمت سلیمان (ع) از حکمت دانشمندان مشرق‌زمین و علمای مصر بیشتر بوده و سه هزار مثل گفت، هزاروپنج سرود نوشت. سلیمان (ع) درباره حیوانات،

پرنندگان، خزندگان و ماهیان اطلاع کافی داشت. او همچنین تمام گیاهان را از درختان سرو گرفته تا بوته‌های کوچک زوفا که در شکاف دیوار می‌رویند، می‌شناخت و درباره آن‌ها سخن می‌گفت. پادشاهان سراسر جهان که آوازه حکمت او را شنیده بودند، نمایندگان به دربار او می‌فرستادند تا از حکمتش برخوردار شوند» (هاکس، ۱۹۲۸، ۲۳۵). در قرآن و کتب دینی متعدد به نام حضرت سلیمان (ع) اشارات ممتدی شده است و بارگاه آن حضرت و احاطه ایشان به علوم مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. «در قرآن خداوند به صراحت از لفظ علم در مورد حضرت سلیمان (ع) سخن گفته و رفتار حکیمانه زندگی را بیان کرده است. در متون تفسیری این علم را علوم مختلفی معرفی کرده‌اند» از جمله این علم: پیغمبری، دانش، دین، احکام شریعت، علم قضا، منطق الطیر (رازی، ۱۳۸۵، ۳۸۳) و علم فهم و حقیقت دانسته‌اند (میبدی، ۱۳۶۱، ۱۹۶). بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع) و نمایش تعداد حیوانات و پیکرنگاری‌های بی‌شمار در یک جعبه کوچک از مهارت‌های به‌کار رفته توسط هنرمند است که قابل تحسین است.



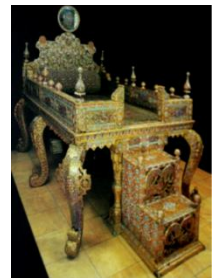
تصویر ۵. نمای مضمون اصلی جعبه - آینه‌ای با موضوع بارگاه حضرت سلیمان (ع) از روبه‌رو. منبع: موزه بریتانیا.

۲. تخت سلیمان نبی (ع): یکی از مطالبی که در مورد حضرت سلیمان (ع) در بارگاه ایشان به‌عنوان یکی از غرایب نام برده می‌شود، تخت ایشان است که در تصویر اصلی روی در به‌عنوان نقش اصلی دیده می‌شود. در توصیف این تخت در منابع مختلف چنین ذکر شده است: «شیاطین برای حضرت سلیمان (ع) بساطی از طلا و ابریشم ساخته که طول و عرض آن یک فرسخ در یک فرسخ بوده و دور آن سی هزار کرسی از طلا و نقره بوده که پیامبران بر کرسی طلا و علما بر کرسی نقره می‌نشسته‌اند و سایر مردم دور آن بوده و دیوان، شیاطین، جنیان دور آن می‌ایستادند و مرغان بر بالای سر آنان سایه می‌کردند» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۲، ۲۹۹). «یکی از لوازم شکوه بارگاه حضرت سلیمان (ع) تخت او بوده است که همه خدم و حشم، جن، انس و پری را در آن جای می‌داده و باد آن را به هر کجا که حضرت سلیمان اداره می‌کرده می‌برده است» «... و او را تختی مخصوص بوده است از سیم، چهار فرسنگ در چهار فرسنگ، و کرسی فرمود از زر سرخ بر آن تخت نهاد و کرسی‌ها از زر و بعضی از سیم گرد تخت نهادند. هر روز به قضا بنشستی و آصف پیش او بنشستی بر کرسی زرین؛ چهار هزار عالم بیامدندی از علما بنی اسرائیل بدان کرسی‌ها بنشستندی بر کرسی زرین. چهار هزار عالم بیامدندی از علما بنی اسرائیل بدان کرسی‌ها بنشستندی به درجه؛ چنانکه فرموده بود و فرمودی تا آن چهار هزار تن از آدمیان خاصگیان بیامدندی، بیستاندی و در قفای ایشان چهار هزار پری بیستاندندی و در قفای ایشان چهار هزار دیو بیستاندندی؛ آنگاه سلیمان حکم کردی میان خلائق...» (نیشابوری، ۱۳۵۹، ۲۸۳). «آصف بن برخیا از شخصیت‌های نزدیک به حضرت سلیمان

نبی (ع) بوده است، در قرآن نامی از آصف نیست ولی در تواریخ، قصص و تفسیرها بارها به نام او اشاره شده است. شهرت آصف و نقش مهم او در این داستان آوردن تخت بلقیس نزد حضرت سلیمان (ع) به یک چشم برهم زدن است که از آن به عنوان کرامت آصف یاد می‌کنند» (سورآبادی، ۱۳۶۵، ۲۹۱). «عرفان آصف را تأییدی بر کرامت اولیا و روا بودن آن می‌دانند» (هجویری، ۱۳۵۸، ۲۹۱؛ جام، ۱۳۴۵، ۷؛ قشیری، ۱۳۶۱، ۶۲۹؛ جامی، ۱۳۳۶، ۲۲). «باتوجه به این موارد از آصف به عنوان وزیر حضرت سلیمان (ع) یاد می‌شود» (داوری، ۱۳۹۲). حضرت سلیمان (ع) بر روی تختی مشابه تخت فتحعلی شاه نشسته و دیوان و جنیان او را احاطه کرده‌اند. این امر در دوره قاجار برای شاه بسیار تکرار شده است؛ همچنین آصف که از او به عنوان وزیر سلیمان (ع) نام برده می‌شود بر روی صندلی مشابه صندلی قاجاری دیده می‌شود و در مقابل او رستم است که در قالب تصویر فتحعلی شاه قاجار تصویر شده است.



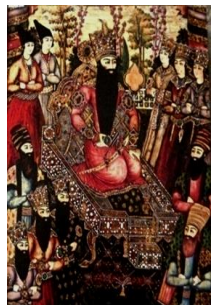
تصویر ۷. بخشی از تصویر ۵، سلیمان بر روی تخت مشابه تخت طاووس ترسیم شده است. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۶. «تخت طاووس»، مینای خانه‌بندی جواهرنشان، مرصع کاری شده با سنگ، منبع: موزه جواهرات ایران.



تصویر ۹. صندلی خاتم کاری دوره قاجار، تهران، ایران قرن ۱۹ م، مجموعه خصوصی. منبع: <https://orientbazar.eu>



تصویر ۸. بخشی از جلد کتاب با تصویر فتحعلی شاه و پسران، قرن ۱۹ م، مجموعه هنر اسلامی مالزی. منبع: Qajar ceramics, 2019, 11



تصویر ۱۱. هنرمند: منسوب به مهرعلی، فتحعلی شاه قاجار نشسته بر روی صندلی، سال: حدود زمانی ۱۸۰۰-۱۸۰۶ م، تکنیک رنگ و روغن روی بوم، ابعاد: ۱۳۱×۵/۲۲۷ سانتیمتر، محل نگهداری موزه لوور، بخش اسلامی. منبع: Diba & Ekhtiar, 1998, 182.



تصویر ۱۰. بخشی از تصویر ۵، صندلی به کار رفته مشابه صندلی دوره قاجار. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۱۲. بخشی از تصویر ۵،
پیکرنگاری مشابه فتحعلی شاه قاجار.
منبع: موزه بریتانیا.

۲. بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع) و دیوان: بارگاه حضرت سلیمان (ع)، با توجه به علم ایشان، بارگاه دیوان، پریان، جنیان و حیوانات متعدد بوده است. چنانچه رد تصویر اصلی روی در جعبه نیز حضور دیوان به صورت پررنگ دیده می‌شود. «بارگاه حضرت سلیمان (ع) به دیوان و پریانی اشاره دارد که بر دست راست و چپ وی ایستاده و مطیع فرامین وی هستند» (رونقی، حلبی و گذشتی، ۱۳۹۷). «تجسم دیوها در کتاب «عجایب المخلوقات» اغلب با این توصیفات همراه است که بدنی نیمه‌انسان و حیوانی با شاخ و دم، گاه چهره انسانی و گاه چهره حیوانی مانند فیل دارند. هیكلی درشت، بدنی پشمالو با ناخن‌های بلند و هیبتی بزرگتر از انسان نمایان می‌شوند. انسان‌های شاخ‌دار با سم و پای حیوانی این تجسم‌ها را تبدیل به الگوی تصویرسازان کرده است» (عسگری و زارع‌زاده، ۱۳۹۹، ۱۹۳). «از معجزات دیگر حضرت سلیمان (ع) تسلط بر دیوان، پریان و در خدمت گرفتن آن‌ها بوده است و جالب آنکه تقریباً بیشتر آیاتی که در قرآن درباره زندگی حضرت سلیمان (ع) آمده است به رابطه او با دیوان اشاره دارد» (سوره‌های انبیا، ۸۲؛ سبأ، ۱۳-۱۴، نمل، ۱۷، ۳۷، ۳۸ و بقره، ۱۰۲). دیوها به‌عنوان موجوداتی مافوق طبیعی بخشی از فرهنگ هر جامعه را تشکیل داده و قسمتی از جهان‌بینی، باورها و پندارهای هر قوم و ملتی مربوط به مبارزه نیروهای شر با نیروهای خیر هستند. در فرهنگ معین، دیو مترادف با ابلیس و شیطان، موجودی خیالی، بسیار تنومند و زشت، دارای شاخ و دم تعریف شده است (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ۷۱۳). در متون اوستایی و پهلوی به دو دسته دیوان مینوی و دیوان انسان‌گونه در شهر مازندران اشاره شده است (اکبری مفاخر، ۱۳۹۱). در فرهنگ لغت آکسفورد از دیو به‌عنوان ارواحی بدخواه، قدرتمند و مخرب نام برده شده است (Oxford, 2011, 396). «دروج» در آغاز نامی برای دیوان ماده بوده ولی بعدها مترادف دیو به‌کار رفته است (آموزگار، ۱۳۸۳، ۳۸). این واژه در اوستا به‌صورت دئو Daeva، در پهلوی دو Dev، و در فارسی دیو گفته می‌شود. در یونانی، زئوس Zeus و در لاتین دئوس Deus و در فرانسه دی او Dieu و در انگلیسی دئیتی Deity و در ایرلندی دیا Dia به‌کار می‌رود (عفیعی، ۱۳۷۴، ۵۲۲). براساس آنچه در فولکلور ایرانیان ذکر شده است، دیو موجودی مافوق طبیعی بوده که با شکل و سیمای خاصی تصویر می‌شده و خویش‌کاری‌های متعددی دارد. سرچشمه و خاستگاه چنین باورهایی شاهنامه فردوسی است؛ به‌ویژه آنجا که به مشخصات دیو سپید پرداخته است (متینی، ۱۳۶۳). دیوان انسان‌هایی بوده‌اند که در مرحله‌ای از زندگی بشر، شیوه زندگی خاص و باورهای ویژه خود را داشته‌اند. بر پایه داستان‌های شاهنامه و افسانه‌های کهن ایرانی که قدمتی درازای تاریخ زندگی بشر دارند، می‌توان زیستگاه دیوان را مشخص کرد. دیو سپید، یکی از نام‌آورترین دیوان، در غاری در مازندران زندگی می‌کرده و بر مبنای کهن‌ترین افسانه‌های ایران زمین محل سکونت دیوان در دل غارها یا بلندی کوه یا دژهای متروک بوده است (یاقوتی، ۱۳۸۰، ۳۴). دیوان کتب دینی ایران باستان و دیوان حماسه‌ها و افسانه‌های کهن، ریشه و بن‌مایه واحدی دارند و تصوراتی که در دوره‌های

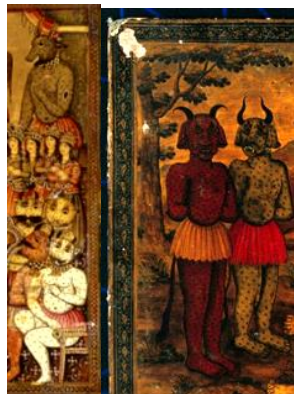
متأخر درباره دیوان شهرت یافته، ناشی از مطالبی است که در کتب دینی و ایران باستان آمده است. امروزه تردیدی نیست که دیوان داستان‌های رزمی ایران آدمیانی غول‌پیکر و زورمند بوده که از آنجا که به آیین دیگری اعتقاد می‌ورزیده‌اند به تبعیت از اوستا دیو نام نهاده شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۴۳، ۴۵). دیو در لغت معنایی منفی نیز دارد، در ایران به سبب اینکه دیوها به ضد خدایان تحول یافته بودند، در ادبیات فارسی به عنوان مظهری از زشتی، پلیدی، هولناکی و نامردی دانسته شده‌اند (سعادت، ۱۳۹۶). در دیگر روایت‌های فارسی گاه جن جایگزین دیو شده است، اما دیو در کنار جن به حیات خود ادامه داده است؛ با ورود اعراب به ایران جن با دیو تداخل معنایی پیدا کرد و به مفهومی کلی و اصل همه موجودات مافوق طبیعی تبدیل شد. به موازات روایاتی که دیو در آن مفهوم تعیین‌کننده دارد، موجودات دیگری نیز از آن به وجود می‌آیند و در برخی روایات نخستین اسلامی، جن نقش دیو را ایفا می‌کند. روشن است که نوعی ترکیب میان مفاهیم ایرانی و عربی پدید آمده که منشأ آن نزدیکی معنایی جن و دیو است (ابراهیمی، ۱۳۹۲). یسنای دوازدهم که از بخش‌های کهن اوستا محسوب می‌شود، با این کلمات آغاز می‌شود: «من به دیوان لعنت می‌فرستم» و این عبارت در بندهای بعدی تکرار می‌شود (عظیمی‌پور، ۱۳۹۲، ۱۹). تقابل میان نیروهای خیر و شر، تقسیم جهان به دو پهنه نور و تاریکی، عقیده به ستیز دائمی میان پدیده‌های اهورایی و اهریمنی، باوری رایج در میان تمام اقوام و ملل به خصوص ایران زمین بوده است، پیکاری که تا جهان برپاست ادامه دارد و پیروزی نهایی در آن با جبهه نور است (زمردی و نظری، ۱۳۹۰). دیوها درشت اندام و بدهیكل بوده، قدرتمندی و توانمندی و بلندی قد از صفات ظاهری آن‌هاست (نقش‌بندی، کرازی و داودی آبادی، ۱۳۹۵). با توجه به مقایسه تصویر دیو، جن و فرشتگان در نقاشی دوره قاجار، هنرمندان این دوره سعی داشتند به الگوهای تصویری متعهد باشند و بیش از آنکه به طرح‌های خلاقانه در ساختار تجسمی بپردازند به قراردادهای و میثاق‌های هنری گذشته وفادار باشند. چنانچه در تصویر ۱۳ دیده می‌شود، بزرگ‌نمایی و احاطه شدن با جنیان و فرشتگان و مقام‌نگاری وام گرفته از قوانین بصری تعریف شده در دوره قاجار است.



تصویر ۱۳. هنرمند: نامشخص، سال: اوایل دوره قاجار؟، عنوان: پرده درویشی، تکنیک: نقاشی رنگ و روغن روی بوم ابریشمی، ابعاد: ۲۱۰×۷۳۳ سانتیمتر، محل نگهداری: موزه آستان قدس. منبع: آرشیو موزه آستان قدس رضوی.

۳. **دیونگاری:** یکی از مضامین اصلی در بارگاه سلیمان نمایش ارتباط آن حضرت و حضور دیوان در صحنه بارگاه بوده است که در تصویر ۱۳ نیز این امر قابل مشاهده است. «دیوها درشت‌اندام و بدهیكل، قدرتمند و توانمند و با قد بلند تصویر شده‌اند» (نقش‌بندی و دیگران، ۱۳۹۵). دیوان مازندران که در اوستا از آن‌ها نام برده شده است به گفته فردوسی از خطرناک‌ترین و جسورترین دشمنان ایرانیان به‌شمار می‌رفتند. جمشید با وجود فرمانروایی بر

دیوان و دیگر جانوران هرگز به فکر حمله به دیوان مازندران نیفتاد. تنها پادشاهی که دست به محاصره مازندران زد، کیکاووس بود ولی این جسارت به قیمت گرانی تمام شد: لشگر ایرانیان سرکوب و کیکاووس خود اسیر دیوان گشت. بعدها رستم به جنگ سرکرده دیوان مازندران، دیو سپید، رفت و پس از قتل او کیکاووس را نجات داد (طباطبایی، ۱۳۴۳). تفوق رستم بر دیو سپید در خوان هفتم شاهنامه (صحنه سیزدهم روایت) نشان داده شده است، اما تغییر شمایل اولاد از حالت انسان به دیو از جمله دگرگونی‌هایی هستند که در طول زمان و ترکیب‌بندی‌های این اثر رخ داده‌اند (اسدیپور، ۱۳۹۹). تصویر دیو در فرهنگ ایرانی سراسر مخوف و تار نیست (براتی، ۱۴۰۱، ۴۷). دیوها دارای شاخ هستند و داشتن شاخ باعث ایجاد هراس و ترس در دل دشمنانشان می‌گردیده است. احتمالاً آن‌ها از شاخ حیوانات برای خود شاخ درست می‌کردند تا باعث رعب و هراس شود. ذکر شده رستم هم از کاسه سر دیو سپید به‌عنوان کلاه جنگی استفاده می‌کرده است (نقش‌بندی و دیگران، ۱۳۹۵). لباس رزم رستم در ادبیات آمده است که رستم برای نبرد با اکوان (ببر بیان) لباسی بر تن داشته که میانش را درست مانند هنگامه‌های خطیر تنگ بسته بوده است. ببر بیان رزم‌جامه ویژه و آیینی رستم است که او را از گزند ضربات دشمن در امان می‌داشته و ساخته شده از پوست ازدهایی احتمالاً ببرنام دانسته‌اند. پوشیدن این لباس به این دلیل بوده که او خود را برای نبرد با اهریمنی در پوست گور آماده می‌کرده است (آریانژاد، ۱۳۸۷). در نمایش دیوها چهره‌ای خوفناک با ویژگی‌های منفی با چهره‌ای وهم‌آلود به‌شیوه‌ای در ترکیب انسان با حیوان تصویر می‌شدند که برهنه با دامنی قاجاری به‌رنگ قرمز و با بدنی خاکستری، سفید یا قهوه‌ای ساده یا خال‌دار تصویر شده‌اند. چنانچه در تصویر در نبرد رستم و دیو سپید، رستم در ظاهر فتحعلی‌شاه قاجار تصویر شده است. سربازان پشت آصف همگی بر روی صندلی نشسته و قرآنی بر کمر دارند که شاید اشاره به یاران حضرت آصف، الهی بودن سلطنت سلیمان (ع) و نام بردن از اسم سلیمان در قرآن باشد. حیوانات متنوعی با طراحی دقیق در زیر پای افراد حاضر در تصویر دیده می‌شوند.



تصویر ۱۵. بخشی از تصاویر ۱۴-۵، در نمایش مشابه دیو. منبع: <https://wellcomecollection.org>



تصویر ۱۴. هنرمند: نامشخص، سال:؟، عنوان: نبرد رستم زال و دیو سپید، تکنیک: نقاشی لاک‌ی روی گچ، ابعاد: ۶۳×۶۲ سانتیمتر، محل نگهداری: کتابخانه ولکام لندن، شماره اثر: ۱۵۸۲۸۱۹. منبع: <https://wellcomecollection.org>

۴. **جن‌نگاری:** در نمایش جنیان یا جن‌نگاری در تصویر جعبه، در بارگاه سلیمان نبی (ع)، چهره‌ای خوفناک با ویژگی‌های منفی همچون دیو مدنظر هنرمند نبوده و لطیف‌تر تصویر شده است. جنیان به شیوه‌ای ترکیبی از انسان با چهره‌ای تقریباً مخوف ولی از دیو دلپذیرتر و فاقد وحشت تصویر شده‌اند که برهنه و با دامنی قاجاری به‌رنگ قرمزند. از منظر بصری، نقشمایه جن با تصویر ۱۳ دارای قرابت تصویری بوده و این امر در تصاویر ۵ تا ۱۵ دیده می‌شود.



تصویر ۱۶. بخشی از تصاویر ۵-۱۳، در نمایش مشابه جنیان دست به سینه، برهنه با دامن با پیکره انسانی. منبع: موزه آستان قدس رضوی.

۵. **فرشته‌نگاری:** در نمایش فرشتگان بر روی جعبه، الگوی قراردادی تکرار شده و فرشتگان با تاج و پوشش قاجاری با لباس جواهرنشان به‌ترتیب و به‌صاف مرتب و دست به سینه تصویر شده‌اند. فرشتگان از لباس و ظاهر زنان این دوره الهام گرفته، ولی دارای بال هستند. حالت‌های مخالف بدن و دست‌های رو به سینه متأثر از نقاشی دوره قاجار است. این موارد در تطبیق با تصاویر ۵، ۸ و ۱۳ قابل مشاهده است.



تصویر ۱۷. بخشی از تصاویر ۵-۱۲، در نمایش مشابه فرشتگان و ملازمان با لباس و تاج قاجاری دست به سینه. منبع: موزه آستان قدس رضوی.

۶. **مرغان در بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع):** «بهاء‌الدین خرمشاهی» «مرغ حضرت سلیمان را همان همد دانسته که نامه حضرت سلیمان را به بلقیس، ملکه سبا، رسانید. همچنین وی تصریح کرده است که «حافظ به مرغ حضرت سلیمان همین یکبار، ولی به همد بارها اشاره کرده است» (خرمشاهی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۹۳۱-۹۳۰). «عنقا یا سیمرغ از پرندگان نزدیک و از مقربان حضرت سلیمان شمرده شده است، به‌گونه‌ای که گاه طرف مشورت حضرت سلیمان قرار می‌گرفته و حتی اعتراض او به قضا و قدر نیز دلالتی بر این نزدیکی است» (مجرد، ۱۳۹۶، ۷۱). در تکثر نقاشی‌های بارگاه حضرت سلیمان (ع) بر پرندۀ همد تأکید شده است، ولی در این نقاشی، با توجه به ابعاد، به سیمرغ توجه و تأکید بیشتری صورت گرفته است. پرندگان مورد بحث در جدول ۲ جمع‌بندی می‌شود.

جدول ۲. مشخص کردن پرندگان در تصویر. منبع: نگارنده.

| نام پرنده | سیمرغ | عنقا | هدهد |
|-----------|--|---|---|
| تصویر |  |  |  |
| توضیحات | با هیبت بزرگ و مشخص سایه‌افکننده بر سر سلیمان (ع) | عنقا در حال پرواز به صورت جفت | هدهد یا شانه به سر تک مشخص |

در رابطه با نقوش به‌کار رفته در حاشیه تصویر اصلی، روی در جعبه و داخل آن دارای جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و نقوش گیاهی است که با قاعده و به‌جا به آن توجه شده و در کادری با طراحی منسجم، برای تصویر اصلی بر روی در به‌کار رفته است و از نقوش تزئینی ایرانی در آن استفاده شده و به کیفیت و زیبایی تصویر افزوده است. این نقوش متأثر از هنر ایرانی بوده و با اجزای ثابت تکرار شده است و تأکیدی بر کیفیت نقوش تزئینی و رنگ‌بندی تصاویر در دوره قاجار است.



تصویر ۱۹. نمای حاشیه کناری در جعبه با نمایش جزئیات. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۱۸. نمای حاشیه کناری در جعبه با نمایش جزئیات. منبع: موزه بریتانیا.

مطالعه مضمون تصاویر حاشیه جعبه

۱. فرهنگی، شکار شاهی: آنچه از مطالعه تصویر شکار در حاشیه جعبه مورد بحث مشخص می‌شود، متفاوت بودن و غیرمرتبط بودن با موضوع در نگاه نخست است، در صورتی که مانند فتحعلی‌شاه در قالب رستم بر روی در جعبه نمادی از قدرت شاهانه است. مشخص بودن شکل‌گیری اصول در سنت تصویری شکار بدون تغییرات در کلیات تأکید می‌شود و همچنین پیوند عمیق بین رویکرد تاریخی شکار و علاقه‌مندی به این امر در دوره باستان و دوره قاجار را نشان می‌دهد؛ همچنین مشخص می‌شود تصویر در دوره قاجار به فراخور موضوع مورد استفاده قرار گرفته و چنانچه در تحلیل تصاویر این جعبه ملاحظه می‌شود، تصاویر طول و عرض و داخل جعبه پیوند سبکی داشته و از لحاظ معنایی غیرمرتبط طراحی شده، ولی تصاویر متأثر از هنر پیکرنگاری درباری بوده و به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه آن توجه شده است. تطابق طراحی یکسان در کلیه بخش‌های جعبه با موضوع شکار و آثار شکار شاهی فتحعلی‌شاه قاجار در جعبه دیگری (تصویر ۲۰) نشان می‌دهد این امر با تأثیرپذیری از سنت شکار در ایران باستان و نمایش شکوه شاهانه در دوره قاجار تلفیق شده و در حاشیه جعبه‌های چوبی به‌کار می‌رفته است. طراحی قاعده‌مند و استفاده از اصول هنری دوره قاجار به‌صورت کیفی از مواردی است که در نمونه قاجاری مورد

بحث (تصویر ۵) نیز به چشم می‌خورد. اجزای ثابت در تصویر با موضوع یکسان از این موارد بوده و دلاوری و قدرت شاهان و شاهزادگان قاجار اشاره دارد.



تصویر ۲۰. جعبه بزرگ نقاشی شده چوبی به روش پایپ ماشه، با موضوع فتحعلی‌شاه در حال شکار، هنرمند: نامعلوم، ابعاد: ۴۲ سانتیمتر، فروخته شده در حراج بونامز، شماره ۲۹۲۰. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۲. نمای حاشیه کناری با موضوع شکار شیر. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۱. بازنمایی نقش شکار در حاشیه جعبه موزه تصویر ۵، بخشی از اثر در تطبیق با نقش شکار بدنه جعبه در تصویر ۲۰. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۳. نمای حاشیه روبه‌روی عرض جعبه با موضوع شکار. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۴. نمای حاشیة طول جعبه از پشت با موضوع شکار. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۵. نمای حاشیة روبه‌روی عرض جعبه با موضوع شکار. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۶. نمای حاشیة روبه‌روی عرض جعبه با موضوع شکار. منبع: موزه بریتانیا.

تقسیم‌بندی داخلی جعبه با تقسیم‌بندی برای ابزار

بهترین و زیباترین ابزارآلات کاربردی اصناف دوره قاجار را می‌توان در جعبه‌ابزارهای چوبی و پاپیه‌ماشه نقاشی شده این دوره مشاهده نمود؛ اگرچه ساختمان اینگونه جعبه‌ها برگرفته از جعبه- ابزارهای چوبی اروپایی است، ولی فرم ابزارها و چیدمان آن‌ها الگویی منحصربه‌فرد دارد. دو کاربرد اصلی این جعبه‌ها عبارتند از: جعبه- ترازو و جعبه‌ابزار، البته تعداد ابزار در آن‌ها کم است و شامل پرگار، گیره، اره، چکش، شاهین ترازو، چاقو، سوهان، قیچی، درفش و ... است که در این جعبه‌ها تعبیه شده است (شمیسا، خواجه احمد عطاری و میرجعفری، ۱۳۹۵، ۱۰۴). تعدد این جعبه‌ابزارها اطلاق آن را به صنف خاصی با مشکل مواجه می‌کند؛ اگرچه در امور دیگر، غیر از هنرهای صناعی، پوپ این جعبه‌ها را جعبه‌ابزار جراحی نیز معرفی کرده است (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱). توجه ویژه به رابطه فرم و عملکرد در ابزارها و تأکید بر خلوص فرم و مهارت فوق‌العاده صنعتگر در شناخت فرم بی‌آنکه هرگز جنبه مصرفی را از یاد ببرد، نشانه‌ای از توانایی و دانش فنی ابزارسازان این دوره است (شمیسا، خواجه احمد عطاری و میرجعفری، ۱۳۹۵، ۱۱۱). مطالعه این جعبه‌ابزارها در دوره قاجار نشان می‌دهد که آن‌ها کاربردی بوده و به‌صورت

کیفی برای حمل ابزارآلات و وزنه‌ها به کار می‌رفته است. تمام فضای داخلی و خارجی آن نقاشی شده و دارای تزئین است و ترکیبی از علم و هنر را نشان می‌دهد. این جعبه‌ها به شیوه نقاشی لاک‌ی روی چوب کار شده و نمونه‌های نادری از آن در موزه‌های ایران و جهان موجود است (پنجه‌باشی، ۱۴۰۰). ابزارآلات فولادی دوره قاجار به سبب کاربرد و عملکرد لازم بوده است تا از استحکام و دوام کافی برخوردار باشند. فرم ابزارها به دلیل آنکه از عملکرد تبعیت می‌کند، منحصر به فرد بوده و انواع انتزاعی، هندسی، گیاهی و حیوانی دارد (شمیسا، خواجه احمد عطاری و میرجعفری، ۱۳۹۵، ۱۰۰). در تصاویر ۲۷ الی ۳۳ تقسیم‌بندی داخل جعبه‌ابزار فولادی به خوبی قابل مشاهده است که فضا متناسب با ابزارآلات فولادی بسیار منظم تصویر شده است و از تمام فضای جعبه به صورت کاربردی استفاده شده است. فضای مابین نیز با زمینه سبز و گل‌های زرد به صورت آرایه‌هایی تزئینی منسجم منقوش شده است. این جعبه پیوند هنر و زندگی را نمودار می‌سازد.



تصویر ۲۸. نمای داخلی جعبه با تقسیم‌بندی ابزار. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۷. نمای داخلی جعبه با تقسیم‌بندی ابزار. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۳۰. نمای بالایی از داخل جعبه با تقسیم‌بندی ترازو، وزنه و ابزار بدون انعکاس در آینه ایستاده قائم. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۲۹. نمای بالایی از داخل جعبه با تقسیم‌بندی ترازو، وزنه و ابزار با انعکاس در آینه ایستاده قائم. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۳۲. نمای قلاب تراز و تقسیم‌بندی بهینه از فضای داخل جعبه. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۳۱. نمای تقسیم‌بندی سه جعبه‌ایزار، دو جعبه کوچک در جعبه اصلی. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۳۴. نمای لولای جعبه و حاشیه‌های تزئینی داخل جعبه با نقش گل و مرغ. منبع: موزه بریتانیا.



تصویر ۳۳. نمای وزنه‌ها و تقسیم‌بندی بهینه از فضای داخل جعبه. منبع: موزه بریتانیا.

مطالعه تحلیلی مضامین متنوع بخش‌های مختلف اثر

جعبه چوبی نقاشی شده لاک، محفوظ در موزه بریتانیا، در نگاه نخست، تنها ویژگی‌های ظاهری سبک نقاشی قاجار را در بخش‌های مختلف نشان می‌دهد، ولی با نگاهی دقیق‌تر سه مضمون مختلف که در ظاهر دارای ارتباط با یکدیگر نیستند، اما در باطن به هم مرتبطند در تصاویر جعبه قابل مشاهده است. این تصاویر انسجام‌یافته نشان از همبستگی هنر و زندگی در هنرهای کاربردی دوره قاجار است. این جعبه دارای تزئیناتی منسجم در تصویر روی جعبه، حاشیه طولی و عرضی و داخل جعبه دارد. این نقاشی‌ها با تفکرات و اهداف نقاشی پیکرنگاری درباری دوره فتحعلی‌شاه هم‌خوانی و هم‌سویی دارد. شاخصه اصلی آن تزئین قاعده‌مند، منسجم و منظم در همه بخش‌های جعبه است. شاخصه‌های مضمونی، در بخش‌های مختلف، همه متناسب با جنبه عملکردی جعبه تنظیم شده است. مطالعه مضامین داخل و خارج جعبه نشان می‌دهد که این مضامین ارتباط مستقیم با هم نداشته، ولی در باطن به آن توجه شده است. با توجه به کاربردی بودن جعبه و بخش‌های مختلف آن، با توجه به جنبه عملکردی جعبه، مضامین انتخاب و با یکدیگر ترکیب شده است. در جدول ۳، تکامل جنبه‌های عملکردی جعبه‌ایزار با مضامین مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر روی جعبه فتحعلی‌شاه، رستم در قالب یاران حضرت سلیمان (ع) در بارگاه ایشان تصویر شده است و تلویحاً به قدرت‌مندی او اشاره می‌کند، بر روی حاشیه طولی، شکار شاهانه و شاهزادگان نمایشی از قدرت است.

جدول ۳. مضامین و شاخصه‌های بصری جعبه نقاشی شده در دوره قاجار. منبع: نگارنده.

| | | |
|---|---------------------|--|
| روی جعبه | مضمون |  |
| بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع) | عنوان | |
| پیوند دینی مذهبی | ویژگی غالب معنایی | |
| حضرت سلیمان خضر یا آصف نبی (ع) | افراد | |
| فتحعلی شاه در قالب رستم و اطرافیان | تناسبات تجسمی |  |
| دارای بسیار فضای فشرده در نمایش افراد متعدد | شاخصه‌های هنر قاجار | |
| و پیکره‌های فرشتگان، دیو، جنیان و حیوانات | مضمون | |
| دارد | عنوان | |
| حاشیه طولی و عرضی | ویژگی غالب معنایی |  |
| شکار شاهانه | افراد | |
| نمایش شکوه دربار شاهانه | تناسبات تجسمی | |
| شاهزادگان در حال شکار | شاخصه‌های هنر قاجار | |
| دارد | مضمون |  |
| دارد | عنوان | |
| داخل جعبه | ویژگی غالب معنایی | |
| گل و مرغ | افراد | |
| فضای عرفانی | تناسبات تجسمی |  |
| گل و مرغ | شاخصه‌های هنر قاجار | |
| دارد | | |
| دارد | | |

جعبه نقاشی مورد بحث با نقاشی‌های مذهبی و تزئینی از دوره قاجار تزئین شده است که در بخش‌های داخلی و خارجی در ساختار جعبه قابل مشاهده است. با مطالعه موضوعات به کار رفته می‌توان به این نکته پی‌برد که دارای تأکید بر جنبه‌های مذهبی، ملی‌گرایی، تزئین بوده و سبک غالب نقاشی‌های قاجار در تصویر محوری روی جعبه و حاشیه‌های کناری و داخل جعبه قابل مشاهده است. مضامین این جعبه از تنوع ظاهری در مضمون برخوردار بوده و در داخل جعبه تزئینات برمبنای فرم هندسی و بصری داخل فضای جعبه به کار رفته است. با توجه به آنچه بیان شد، مشخص می‌شود تصاویر به کار رفته اگرچه دارای شباهت در مضمون نبوده، ولی در نوع سبک مشابه یکدیگرند و جنبه‌های متنوعی از هنر نقاشی پیکرنگاری درباری دوره قاجار را نشان می‌دهند و در هر سه بخش به دستاوردهای مختلف هنر نقاشی قاجار توجه شده است. برای بررسی دقیق‌تر در جدول ۴ به شکل و قالب کلی تصاویر، ویژگی و غالب و تناسب و محتوای تصاویر و زیبایی‌شناسی از منظر اصول و قواعد تجسمی پرداخته می‌شود تا از این طریق به مقایسه دقیق‌تر در این مقوله پرداخته شود.

جدول ۴. مقایسه مضامین بخش‌های مختلف جعبه نقاشی شده در دوره قاجار. منبع: نگارنده.

| | | |
|-------------------------|---|---|
| مضمون | روی جعبه دینی |  |
| غالب معنایی | بارگاه حضرت سلیمان تمثیلی از دربار فتحعلی شاه | |
| قالب کلی تصویر | افقی بارگاه حضرت سلیمان | |
| تناسب محتوا و مضمون | دارد مستقیم |  |
| زیبایی‌شناسی دوره قاجار | در سبک و محتوا و متأثر از پیکرنگاری درباری دوره قاجار | |
| شاخصه‌های هنر قاجار | دارد | |
| مضمون | حاشیه جعبه شجاعت و غرور |  |
| غالب معنایی | شکار نمایش قدرت | |
| قالب کلی تصویر | نمایش شکوه دربار شاهانه | |
| تنوع بصری | دارد |  |
| مضمون | داخل جعبه تزئینی | |
| غالب معنایی | گل و مرغ مضمون عرفانی | |
| تناسب محتوا و مضمون | دارد غیر مستقیم |  |
| زیبایی‌شناسی دوره قاجار | در سبک و محتوا و شکل متأثر از هنر گل و مرغ دوره قاجار | |
| تنوع بصری | دارد | |

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به پیکربندی مضمونی در بخش‌های بیرونی و درونی جعبه محفوظ در موزه بریتانیا پرداخته شد که تصویر روی در اصلی جعبه با عنوان بارگاه سلیمان نبی (ع) به‌عنوان نماینده محتوای دینی و مضمون شکار شاهی به‌عنوان نماینده محتوای فرهنگی و مضمون گل و مرغ به‌عنوان نماینده محتوای عرفانی مورد بررسی قرار گرفت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر مشخص شد. این مضامین از حیث کاربرد در بخش‌های مختلف جعبه بررسی شد و ارتباط آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم مشخص شد. آنچه از تحلیل یافته‌های پژوهش و تحلیل شاخصه‌های تصویری آن حاصل شد، این امر است که همچون دیگر بخش‌های هنر قاجار دارای وحدت تصویری است، ولی این امر به‌صورت مستقیم اتفاق نیفتاده است و به‌رغم تفاوت ظاهری، مضمون برگرفته از اصول نقاشی دوره قاجار است و امتزاج مقوله‌های دین و فرهنگ و عرفان را در شیء کاربردی بازمی‌نمایاند. آشکار است که هنرمندان تصویرگر دوره قاجار با توجه به زمانه خویش آگاهانه این موضوعات را با الگوبرداری از کدهای تصویری دوره خویش انتخاب نموده‌اند و به محتوای دینی و فرهنگی و عرفانی مضمون‌ها توجه داشته و آن را در بخش‌های مختلف جعبه به‌کار برده‌اند. در پرتو آنچه گذشت، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مضامین به‌کار رفته در بخش‌های مختلف جعبه تحت تأثیر هنر نقاشی پیکرنگاری درباری قاجار بوده است. طراحی قاعده‌مند و بهره بردن از تصویر برای در جعبه،

استفاده از نقش شکار برای حاشیه‌های عرضی و طولی جعبه و بهره بردن از نقوش سنتی ایرانی برای فضای داخلی تقسیم‌بندی‌های جعبه به صورت کیفی از جمله این موارد انتخاب شدن هدفمند مضامین است و انعکاسی واضح از هنر دوره قاجار را نشان می‌دهند.

مشارکت‌های نویسنده

این پژوهش فاقد مشارکت است.

تقدیر و تشکر

این پژوهش فاقد قدردانی و تشکر است.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

منابع

- ابراهیمی، معصومه. (۱۳۹۲). بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی. *دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۱(۲)، ۵۳-۸۱. Doi: <https://doi.org/20.1001.1.23454466.1392.1.2.1.9>
- آریانزاد، فریا. (۱۳۸۷). بررسی دو نگاره از داستان اکوان دیو. *فصلنامه هنر*، ۷۷(۷۷)، ۲۲۴-۲۴۰.
- اسدپور، علی. (۱۳۹۹). مطالعه شمایل‌شناسانه نبرد رستم و دیو سپید در کاشی‌نگاره سر در ارگ کریم‌خان شیراز به روش اروین پانوفسکی. *باغ نظر*، ۱۷(۸۶)، ۲۹-۴۰. Doi: <https://doi.org/10.22034/BAGH.2019.185313.4105>
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۱). بنیادهای اساطیری و حماسی داستان دیوان مازندران در شاهنامه. *پژوهشنامه ادب حماسی*، ۱۴(۱۴)، ۳۳-۶۴.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۳). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- بختیاری، فریبا. (۱۳۹۰). *گل و مرغ در هنرهای کاربردی ایران (عصر صفوی متأخر تا دوره قاجار آغازین)* (کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- براتی، پرویز. (۱۴۰۱). *بازشناسی چهره موجودات خیالی در روایت‌های ایرانی*. تهران: نشر چرخ.
- برومند، ادیب (عبدالعلی). (۱۳۶۶). *هنر قلمدان*. تهران: جدید.
- پنجه‌باشی، الهه. (۱۴۰۰). مطالعه جعبه-قپان‌های نقاشی شده لاک‌ی در دوره اول قاجار. *پژوهش هنر*، ۱۱(۲۲)، ۱۷-۲۹. Doi: <https://doi.org/20.1001.1.23453834.1400.11.22.4.4>
- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران* (ترجمه سیروس پرهام). تهران: علمی-فرهنگی.
- جام، شیخ احمد. (۱۳۴۵). *مقامات ژنده‌پیل* (تألیف سدیدالدین محمد غزنوی، توضیحات: حشمت‌اله مؤید سنندجی). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۳۶). *نفحات الانس من حضرات القدس* (به تصحیح مهدی توحیدی پور). تهران: کتابفروشی محمودی.
- جمالی، شادی و مرثی، محسن. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی تزئینات کاشی کاری در معماری مساجد دوره صفویه و قاجاریه با تکیه بر چهار مصداق تصویری. *نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، (۱۰)، ۸۱-۹۴.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۰). *حافظنامه*. تهران: علمی فرهنگی.
- خلیلی، ناصر. (۱۳۸۶). *کارهای لاک* (ترجمه سودابه رفیعی سخایی). تهران: کارنگ.
- داوری، پریسا. (۱۳۹۲). حکمت‌های داستان سلیمان. *پژوهشنامه تعلیمات ادبی*، (۱۷)، ۱۱۵-۱۵۶.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه* (ج ۸). تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، ابوالفتح. (۱۳۸۵). *روح الجنان و روح الجنان* (ترجمه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی). تهران: اسلامیه.
- رسول‌زاده، عباس. (۱۳۸۹). سلیمان، اسطوره یا تاریخ؟ *معرفت ادیان*، (۱)، ۱۷۵-۱۵۳.
- رونقی، افسانه، حلبی، علی‌اصغر و گذشتی، محمدعلی. (۱۳۹۷). *حدیقه‌الحدیقه از دیدگاه روانشناسی تحلیلی یونگ. مطالعات عرفانی کاشان*، (۲۸)، ۳۷-۸۰. Doi: <https://doi.org/10.22052/0.28.37>
- زمردی، حمیرا و نظری، زهرا. (۱۳۹۰). ردپای دیو در ادب فارسی. *دوفصلنامه علامه*، (۳۱)، ۵۶-۹۸.
- سعادت، مصطفی. (۱۳۹۶). پراکنش غیرتصادفی مکان‌های جغرافیایی ایران که در نام آن‌ها دیو وجود دارد. *ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، (۱۵)، ۴۵-۲۵. Doi: <https://doi.org/20.1001.1.23454466.1396.5.15.9.1>
- سورآبادی، ابوبکر عتیق نیشابوری. (۱۳۶۵). *قصص قرآن مجید* (به کوشش یحیی مهدوی). تهران: خوارزمی.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۶). معرفی نسخه خطی آثارالباقیه موجود در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری. *فصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، (۶)، ۲۵-۴۲.
- شمیسا، عظیم، خواجه احمد عطاری، علیرضا و میرجعفری، حسین. (۱۳۹۵). بررسی فرم و عملکرد ابزار آلات فولادی اصناف قاجار. *پژوهش هنر*، (۱۱)۶، ۱۱۲-۹۹. Doi: <https://doi.org/20.1001.1.23453834.1395.6.11.5.8>
- طباطبایی، احمد. (۱۳۴۳). دیو و جوهر اساطیری آن. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، (۶۸)، ۳۹-۴۵.
- عسگری، فاطمه و زارع‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۹). واکاوی غرائب‌نگاری نسخه مصور چاپ سنگی در بیان قصه حضرت سلیمان. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، (۲۵)، ۱۸۱-۲۱۳. Doi: <https://doi.org/10.22051/hph.2020.31225.1434>
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۵۶). *مصیبت‌نامه* (تصحیح نورانی وصال). تهران: زوار.
- عظیمی پور، نسیم. (۱۳۹۲). *دیو در شاهنامه با بررسی تطبیقی دیوها و شخصیت‌های منفی و آیین مزدیسنا*. تهران: سخن.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۴). *اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی*. تهران: طوس.
- قرآن مجید. (۱۳۸۶). *ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای*، تهران: اسوه.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۶۱). *ترجمه رساله قشیریه ابی حسن ابن احمد عثمانی* (به تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر). تهران: علمی- فرهنگی.
- کن‌بای، شیلا. (۱۳۹۱). *نقاشی ایرانی* (ترجمه مهدی حسینی). تهران: دانشگاه هنر.
- لعل‌شاطری، مصطفی و جعفری دهکردی، ناهید. (۱۳۹۵). تأثیر فعالیت میسیونرهای مسیحی بر مصورسازی قلمدان‌های عصر ناصری. *نگارینه هنر اسلامی*، (۱۱)، ۴۶-۹۰. Doi: <https://doi.org/10.22077/NIA.2016.794>
- متینی، جلال. (۱۳۶۳). روایتی دیگر از دیوان مازندران. *ایران‌نامه* (مجله تحقیقات ایران‌شناسی). (۱)۳، نیویورک: بنیاد مطالعات ایران، ۱۱۸-۱۳۴.
- مجرد، مجتبی. (۱۳۹۶). عنقا و سلیمان تلمیحی فراموش شده در ادب پارسی. *کهن‌نامه ادب پارسی*، (۳)، ۷۶-۶۳.
- محمودی، فتانه. (۱۳۹۸). *تصویرگری آثار نقاشی زیرلاکی (پایه‌ماشه) در دوره قاجار با رویکرد آیکونوگرافی*. *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، (۸)۳، ۱۷۷-۱۵۹.

- معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی (جلد ۱). تهران: زرین.
- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۶۱). کشف الاسرار و عده‌الابرار (تصحیح علی اصغر حکمت). بی‌جا.
- نقش‌بندی، سید ایوب، کزازی، میرجلال‌الدین و داودآبادی فراهانی، محمدعلی. (۱۳۹۵). چهره‌شناسی رستم و هم‌گرایی و ستیزه‌گری او با رستم زال در شاهنامه کردی (گورانی). جستارهای ادبی، (۱۹۳)، ۷۹-۵۳.
- نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۵۹). قصص الانبیا (تصحیح حبیب یغمایی). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هاکس، جیمز. (۱۹۲۸). قاموس کتاب مقدس. بیروت: مطبعه آمریکایی.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۵۸). کشف‌المحجوب (به تصحیح ژوکوفسکی). تهران: طهوری.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۸۰). دیو مظهر خشونت در ادب کهن. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، (۲۷)، ۳۴-۳۷.
- Diba, L, S-Ekhtiar, M. (1998). Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch 1785-1925 Hardcover, Broklyn Museum of Art, Newyork.
- Oxford Dictionary. (2011). Oxford University Press.